سایر تالیفات مؤلف کتاب

رساله در قاعده بسیط الحقیقة

« ترجمه رساله علم النفس « ابن سینا »

« عربی خودآموز

« روانشناسی

« فلسفهٔ شرق

« تاریخ فلسفه (شرق و غرب)

« منطق قدیم

« منطق جدید (متدلوژی)

« اخلاق

« ترجمه و تفسیر آیات منتخبه

خاتمه

بتشویق نیکوکار و مجازات بدکار پنجمین دفتر اخلاقی اسلام در زندگی اجتماعی پایان یافت و نویسنده در این پنج جلد مکرر دست نیاز بدامان پاکدلان دراز و التماس و خواهش کرد که دامن جان را از هر گرد و غبار شسته ، زنگار دل را از تحریکات غرض آمیز بزدایند، باسرمایه وجدان پاک و دیدهٔ انصاف بین در حقایق و تعلیمات اسلامی نگریسته و آنگاه در ارزش و شخصیت اسلام گفتگو یا اظهار عقیده کنند، تمام بدبختیها و نکبت هاکه روزگار آدمی را تیره و تار میسازد ، از نابخردی و تقلید یا تأثیر هوا پرستی مایه میگیرد ، مخصوصاً خوانندگان گرامی را به خواندن چهار قسمت از این پنج جلد کتاب توصیه میکنیم :

۱ــ تأثیرات اجتماعی که در آخر بیشتر مباحث فقه نوشته شده

۲ ــ مقدماتی که در جلد چهارم است .

۳ ــ مبحث اجتهاد و تقلید و آنچه در اطراف احادیث نوشته شده .

۴ ــ مباحث اخلاق که از نظر اسلام نگاشته شده .

و نیز فراموش نشود که در اختصار رعایت برنامه منظور بوده و آنچه نوشته ایم در حقیقت نمونه ای است از تعلیم و تربیت اسلام .

اللهم توفنی مسلماً و الحقنی بالصالحین

بنابراین اجتماعی بر پایه مهر و محبت استوار و از دستبرد پراکندگی بر کنار میماند که دفتر نیکوکاری از دفتر بدکاری و خیرخواه از بدخواه ممتاز باشد ، زمامداران اجتماعی باهشیاری کامل دست نوازش برسر نوع پروران کشند و پای پلیدان زشت کردار را از خانهٔ مهر و محبت خود کوتاه کنند ، این مهر و بی مهری فوائد بسیار درآغوش خود دارد و از جمله :

۱ - **رواج اعمال پسندیده** - اگر مردم به بینند آنکه قدمی خیر برداشته بزرگان جامعه او را ستوده و عزیز میشمارند ، کم کم نیروی خیرخواهی در آنان ظهور یافته و با او هم آهنگ میشوند .

۲ - **کساد بازار زشت کاری** - هرگاه مرتکبین اعمال زشت از پیشوایان اجتماعی بی مهری بینند ناچار زنجیر وجدان گمراه را گسیخته و در حلقهٔ پاك عملان داخل میشوند .

۳ - تشویق نیکو کاران خواهی نخواهی از بد کاران میکاهد .

۴ - **استحکام عدالت اجتماعی** - اگر دیدهٔ دوراندیش کارفرمایان کشور ، جاسوس اعمال بد و نیك بوده در برابر حسن خدمت مزد و تقدیر و در برابر نکوهیده کاری کیفر و تهدید بکار برند و در این منظور خویش و بیگانه ، دور و نزدیك ، نابخرد و خردمند را بیك چشم نگاه کنند ، ناچار هر کس بیدار کار و مواظب رفتار خود میشود که گرفتار انتقام اجتماعی نگردد و در نتیجه عدالت اجتماعی برقرار و محکم خواهد شد .

٤ـ کومك بهم نوع ـ بایدازروزگارخوش زندگی ، ساعاتی را دانست که درراه نوع پروری انسان رنج به بیند ودرقدمش صدهزارآبله باشد که :

رنج خود وراحت یاران طلب　　　سایه خورشید سواران طلب

بسی پربها ونیرومند است دستی که افتاده‌ای رادستگیری یایتیمی را نوازش ویاباحسان ، معبودحقیقی راپرستش کند .

عبادت بجز خدمت خلق نیست　　　به تسبیح وسجاده ودلق نیست

٥ـ انجام وظائف اجتماعی ـ هرفردعضوی‌استازپیکراجتماع و باید در طریق سلامت و اعتدال مزاج آن وظیفهٔ را که بدوش او بار شده از جان و دل انجام دهد تاکاروان سعادت ملی بدون آزار وآسیب بارخودرا بمنزل رسانده ازگزند یغماگران وحدت ملی‌ایمن بماند ، پس ساعتی چند از روز را باید بانجام وظیفهٔ اجتماعی خرج وآن را دردفتر روزگار خوشبختی ثبت کرد

تشویق نیکوکاران ومجازات بدکاران

کمتر کسی است ، در پرورش جان بپایه و مقامی رسیده باشد که جز حق وحقیقت نه‌بیند وبا برق وجدان پاك راه مقصود را پیموده بعمل این و آن نظر نکند .

او قدم خیر خواهانه خود را تند و محکم بر دارد خواه دستگاه اجتماعی بآن ارزش دهند یا بد سگالانش ملامت و سرزنش کنند . دلی آهنین و مغزی بس پهلوان لازم است که به‌بیند مردمی نیکوکاریرا جرم و جامعه آنانرا سر و سرور کرده و بدیدهٔ عزت مینگرد و او خود را نبازد عزت بخیلان ، حرارت بخشش و احسانش را سرد و تحقیر سبك مغزان او را رنجیده خاطر نکند .

جان پروری است ودرپرورش آن رعایت اموری چند ضروری است :

۱ـ صحت بدن ـ چون کارگذار و کارگر جان ، بدن و کارخانه حیرت انگیز تن است و بعلاوه هریك ازروح و تن بیکدیگر آمیخته و ودرهم مؤثرند پس میبایددرنگهداری آن کوشیدوازهرچه برای تندرستی زیان آوراست مخصوصاً مشروبات الکلی واستعمال دخانیات اجتناب کرد

۲ـ دانشجوئی ـ تمام بدبختی ها که دچار افراد یك کشور ویا دامنگیر ملتی میشود ازنادانی وبیخردی است ومرکز هر سعادتی را از محیط دائره دانش میتوان جست پس پر بهاترین ساعات زندگی دقائقی است که درطریق دانشجوئی دفترزمانرا ببندد وباین مناسبت رسول اکرم عمر یرا که درداش طلبی بپایان نرسیده بیهوده شناخته و فرموده است : بشر نادان ازمحیط جانوران قدمی بیرون نگذاشته وباندازه پست ترین حیوان ارزش ندارد وباز فرموده : زگهواره تاگور دانش بجوی

۳ ـ انجام وظائف الهی ـ مکرر گفته ایم پرستش و بندگی پروردگار درعظمت واقتدار حضرتش تأثیر ندارد مثل اینکه نافرمانی و بت خود خواهی را پرستیدن نیز بارگاه قدس و قدرت او را ویران یا متزلزل نخواهد کرد، وبناچاروظائف الهی بسود تکامل نیرومندی روان آدمیت تمام میشود ودرعبادت حق اسراری است نهفتنی و رموزی است ناگفتنی که تاآدمی رنك دیانت بخود نگیرد بزیبائی وفوائد آن پی نخواهد برد وتاگوش راباساز آئین آشنا ودمساز نکند بدلربائی رازونیاز بامعشوق بی نیاز آگاه نخواهد شد ، عبادت حق زنگار خود پرستی وخود بینی را از آئینه دل میشوید و دیده حق بین بآدمی می بخشد ، پس قسمتی از وقت را باخلوص وقلب بی آلایش بعبادت حق باید گذراند که :

از عبادت نی توان الله شد   میتوان موسی کلیم الله شد

۴ ـ جلوگیری ازخود پرستی ـ آنکه با پرورش صحیح تربیت یافته نمیگذارد در همنشین او خودپرستی نمودار گردد .

۵ ـ جلوگیری از حسد ودروغگوئی ـدوست پاك نهاد بانیروی عمل وقدرت نمائی در پند و اندرز از حسد بردن ، دروغ گفتن، خیانت، کینهٔ مردم بدل گرفتن و امثال این صفات ناپسند جلوگیری میکند .

قدروارزش وقت

وقت، ساعات ودقایق زندگی است که خواه یا نخواه بسرعت برق گذشته وآدمی رابمرك نزدیك میکند . گرانبهاتر ازهرچیز جان وروان آدمیت است که آثار آن خوب باید درطومار زمان بپیچیده میشود وقابل رجوع نیست . اعمال ناپسند گذشته جبران پذیر وکردار پسندیده فراموش شدنی نخواهد بود « ایکاش جوانی بر میگشت » آرزوئی است که آدمی باخود بگور میبرد و از زبان همین آرزومندان خداوند میفرماید : روز رستاخیز گروهی فریاد میکنند ایکاش زندگی بر میگشت تاکردار خودرا بانقشهٔ دلپذیر نیکوکاری تنظیم و اجراء میکردیم ، ولی غافل اند که افسوس واندوه بر گذشته سودی ندارد .

باری آنچه ازعمر میگذرد نخواهد برگشت ، و هر دقیقه و ثانیه بقیهٔ ... جان تمام میشود و بفرموده یکتا گوهر عالم وجود که فرمود : گذشته از دست رفته وآینده ندانی خواهی بود یانابهنگام مرك گریبانترا میگیرد ، پس نبایدهم اکنون را ارزان فروخت وبیهوده وقترا از کف داد

نیك وبد چون همی بباید مرد خنك آنکس که گوی نیکی برد

درمصرف وقت باید فهمید که : تن آدمی شریف است بجان آدمیت و آنچه درکمال و سعادت آدمی او را از حیوانات امتیاز میدهد همان

نمیکند و باینجهت آدمی رازدل وآرزورا با دوست میگوید وازنزدیکتر خویشان خودکتمان و پنهان میکند ، وهرچند این اندیشه و روش بسی ناستوده است(۱) :

ولی چون عمل نشان میدهدکه در انتخاب دوست آدمی کمتر با این و آن صلاح اندیشی میکند و بدوست میگوید آنچه را بهیچکس اظهار نمیدارد مقتضی است دست کم از اندیشه خود استفاده کرد و بافکردنبال تهیه دوست برآمدکه «یعرف المرء بجلیسه» وزن وشخصیت هر کس در آئینه سیمای دوست دیده میشود و فوائد معاشرت با دوست نیکو سیرت بسیار و از جمله است :

۱ ـ تشویق بدانش جوئی ـ دوست پاك سرشت همیشه راه سعادترا پیشنهاد وبهترین‌سرمایه خوشبختی‌را دانش طلبی معرفی میکند

۲ ـ منع از زشتکاری ـ دوست نیکو نهاد نمیگذارد ، آدمی پیرامون اعمال ناشایست رفته خود را بَدبخت کند .

۳ ـ دستور نیکوکاری ـ دوست نیکوکار میکوشد تا رفیق رابا خود همرنك و نیکوکار ترتیب کند .

---

(۱) زیرا پدر ومادر که سرد وگرم روزگاررا چشیده منتهی درجهٔ علاقه و مهر را نسبت بفرزند دارند و استادان زبر دست که حقیقت را از مجاز و صلاحرا از فساد باز شناخته و درعلاقهٔ بشاگرد پدر روحانی هستند برای دوستی و گفتن راز از هرکس شایسته ترند و باید از مهر و فکر ایشان در انتخاب دوست بهره برداری کرد و خود را در زندگی از انتخاب دوست خود سرانه بیچاره و بدبخت نخواست ؛ هرگرفتاری و رنجی که گریبان وگلوی آدمی راگرفته درکشاکش زندگی او را بزانوآورده از هستی ساقط میکند ؛ دوست نادان و معاشرت با بد خصلتان است و بر عکس آنکه در پستی و بلندی و زیر و بم روش روزگار از تلخ کامی انسانرا نجات داده درخت امید اورا شیرین بار وبرومند میکند دوست دانا و همنشینی با پاکدلان است واین گنجرا باید ازگنجینهٔ مشورت پدر ومادر و آموزگاران بدست آورد

۲ـ بخیلان ـ بخیل بقدری سرمایه داریرا لذیذ و مایه خوشبختی شرح وازتنگدستی وفقر انسانرا بیم میدهد که دل جوانمرد نیکوکار را از بخشش سرد میکند .

۳ـ حسودان ـ همنشینی باحسود تدریجاً حس بدبینی وفرومایگی رابیدارو انسانراحسودواورابااین مرض خطرناك بدبخت و بیچاره میکند .

٤ـ دروغگویان ـ معاشرت بادروغگوقبح این خوی ناپسندوحسن صداقت را ازمیان برداشته ساعتی انسان بهوش میآید که کاراز کار گذشته وجز حسرت واندوه وحقارت وپستی سرمایه‌ای تحصیل نکرده .

٥ ـ قمار بازان ـ اگر مردم میدانستند چگونه آتش قمار بازی خرمن عمر وسرمایه زندگی را خاکسترمیکند هرگزپیرامون این دشمن خانه برانداز نرفته وازقماربازان چون ازمردم وبائی میگریختند (۱)

فوائد همنشینی با نیکان

مقدمه گفتیم هیچ آموزنده‌ای در جهان باندازهٔ معاشرت ، دردل و مغز تأثیر ندارد و آنچه را انسان از نشست و برخاست با مردم و از دوستان فرا میگیرد ، نمیتوان با گفتهٔ معلم و حتی دستور و فرمان پدر مقایسه کرد ، زیرا آن صمیمیت و یکرنگی ، آزادی درگفتار وعملرا که درآئینه دوستی می‌بیند ، آنرا در برابر پدر و مادر و آموزگار احساس

---

(۱) ــ باری چون در تجربهٔ زندگی همه دیده‌ایم مبتلایان بتریاك ، ریشهٔ بیچارگی و بردگی خود را زیر سرافیونی دیگری میدانند که بکلمات نغز و فوائد تریاك لب گشوده وایشانرا بدام افکنده و میسوزند واز هرسو چاره جوئی میکنند تا ازبند این عادت زشت رها و به بدبختی خویش خاتمه دهند و کمترهم توفیق مییابند . پس باید همین مشاهده را ترازوی همهٔ اعمال نکوهیده قرار داد و نزدیك معتادین بصفات ناپسند نرفت که نعمت حیات و سعادت از تخت عزت واژگون و روان آدمیت خاك نشین میگردد

اجتماعی است و در سخنان پیغمبر و امامان به غبطه از آن تعبیر و بسی ستایش شده است .

احتراز از معاشرت با بدان

هر گاه تمام دانشمندان اخلاق مفاسدیرا که بر اخلاق نکوهیده بار میشود ، بابهترین بیان وسخنان شیوای خود بگوش مردم بخوانند تا وضع زندگی ورفت وآمد درجامعه اصلاح وبرپایه صحیح استوار نشود کوچکتر سود ونتیجه‌ای ازپندهای حکیمانه آنان نمیتوان برد .

هر گاه آموزگاران پاکدل ودلسوز در محیط دبستان ودبیرستان ودانشکده‌بااستادی ومهارت تمام منافع کارهای پسندیده ومضار کارهای ناپسند راشرح دهند تا معاشرت خانوادگی وافق دوستان خارج باآنان همکاری نکنند ، ازهدایت ایشان نفعی عاید نیگردد .

آدمی باآنچه می‌بیند رابطه و علاقهٔ مستقیم دارد .

آدمی‌شیدا ودلباخته‌محسوسات ومشاهدات‌است وهمنشینی چون دوربین عکاسی اعمال زشت یا زیبا را در صفحه مغز بی فاصله زمان ثبت میکند وبابنجهت مجالست بامردمان زشت سیرت درآداب وقوانین دین سخت غدقن وممنوع شده است .

بدان و زیان همنشینی با ایشان ـ بدخویان بسیارو ازجمله اند

۱ـ نادانان ـ معاشرت بامردم نادان کم کم روح دانش طلبی را در آدمی سست ونابود میکند ، چه آنکه نادان هواپرست همه از رنج دانشجوئی سخن رانده وگنج هوسرانی را جلوه میدهد و انسان راحت طلب زودفریب خورده وآلوده میشود .